



هند، دریچه‌ای به جهان مولانا

گفتاری درباره نقش هند در آشنایی

خاورشناسان اروپایی با مولانا جلال‌الدین

دکتر علی محمد مؤذنی*
محمد راغب**

مولانا جلال‌الدین بلخی، از بزرگ‌ترین شاعران و عارفان ایرانی است که دامنه نفوذ افکار و اندیشه‌هایش گستره وسیع شبه قاره هند تا آسیای صغیر را در بر می‌گیرد. گفتمان (discourse) فرهنگی که حول محور آراء مولوی شکل می‌گیرد تمامی سده‌های پس از او را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین آواهای موجود در تصوف اسلامی، زمینه بررسی و پژوهش خاورشناسان بوده است. سابقه شناخت اروپاییان و ترجمه آثار مولانا به قرن هفدهم می‌رسد و شاید بتوان سر ویلیام جونز (Sir William Jones) را آغازگر این راه دانست. او که از مؤسسان انجمن آسیایی بنگال نیز محسوب می‌شود نخستین ترجمه‌ها را از مثنوی معنوی انجام می‌دهد (۱۷۷۲م) و بدین ترتیب، شبه قاره هند، زمینه‌های لازم را برای شناخت مولانا توسط اروپاییان فراهم می‌آورد. پس از آن، به تدریج مولوی جایگاه ویژه خود را در میان مستشرقین باز می‌یابد و آثارش بارها به زبان‌های مختلف ترجمه می‌شود. سیر ترجمه‌ها و پژوهش‌ها در مورد آثار مولانا توسط ادوارد پالم (E. H. Palmer)، جیمز ردهاوس (James. W Redhouse)، وینفیلد (E. H. Winfield)، ویلسون (C. E. Wilson)، رینولد الین نیکلسون (Reinold A. Nicolson/۱۹۲۵-۱۹۴۰)، یوزف فرایهر فن هامر پورگشتال (Josef Freiherr Von Hammer)

مولانا جلال‌الدین بلخی، شاعر و عارف بزرگ ایرانی، دیگر چهره‌های محدود به مرزهای سیاسی ایران امروز یا حتی فلات ایران به همراه سرزمین‌های دکن تا آناتولی نیست. او چهره‌های جهانی است و از هویتی فراملیتی برخوردار است. اورهان پاموک، برنده جایزه نوبل، از آشنایی با او سخن می‌گوید (شیرزادی، ۱۶) و در آمریکا ترجمه‌های کلن بارکس (Coleman Barks) از مولانا در فهرست پرفروش‌ترین‌ها (best sellers) قرار می‌گیرد. علاوه بر این، آشنایی بزرگانی چون هگل، برگسون، گوته، یونگ، کریستوا و ... با آثار مولانا، نموداری از جایگاه فرهنگی او در طول قرون گذشته و حال ترسیم می‌کند. اما اولین آشنایی

سابقه شناخت اروپاییان و ترجمه آثار مولانا به قرن هفدهم می‌رسد و شاید بتوان سر ویلیام جونز را آغازگر این راه دانست



داشت. به اردو با چند روزنامه هندی مکاتبه می‌کرد و در ۱۸۶۹ به خاور نزدیک سفر کرد. سابقه آشنایی پالم با مولانا از طریق شبه‌قاره، به دوران دانشجویی او در کمبریج می‌رسد. پالم یکی از شاگردان ادوارد بایلز کاول (Edward Byles Cowell) بود که دانشجویانش را به مطالعه مثنوی تشویق می‌کرد. کاول بعدها دو نسخه از مثنوی را در اختیار نیکلسون و ادوارد براون قرار داد. او فارسی را نزد هاکی (W. B. Hockley) که از افسران ارتش هند بود و فیتز جرالدهم فارسی را از او فراگرفته بود آموخت. به طور کلی در آن زمان تمام کسانی که قرار بود در هند به کار مشغول شوند موظف بودند فارسی یاد بگیرند و این نکته خود در گسترش دایره نفوذ زبان فارسی در بریتانیا بسیار مؤثر بود و ضمناً راه را برای مولاناپژوهی از طریق شبه‌قاره هموار می‌کرد. چنانکه ادوارد براون نیز از جمله این دانش‌آموختگان محسوب می‌شود. (لوئیس، ۶۸۰ - ۶۷۹)

ادوارد گرانویل براون (Edward Granville Browne)، مؤلف یکی از مهم‌ترین کتب تاریخ ادبیات فارسی در چهار مجلد است:

Browne, Edward Granville, *A Literary History of Persia*, Cambridge University Press, Cambridge, 1902, 1906, 1920, 1924.

ادوارد براون (۱۹۲۶ - ۱۸۶۲) که از معروف‌ترین و مهم‌ترین ایران‌شناسان جهان محسوب می‌شود در جلد دوم این کتاب از جلال‌الدین بلخی سخن می‌گوید و قسمت‌های کوتاهی از مثنوی را به شعر انگلیسی ترجمه می‌کند.

رینولد الین نیکلسون (Reynold Alleyne Nicholson)، به سال ۱۸۶۸ در خاندانی اندیشمند و محقق به دنیا آمد و بر خلاف سایر مستشرقان تا پایان حیاتش در سال ۱۹۴۵ به خاورمیانه سفر نکرد. در ۱۸۹۱ از ادوارد براون، فارسی آموخت و زبان‌های هندوستانی را نیز فراگرفت. به پیشنهاد ادوارد براون ۴۸ غزل از دیوان شمس را به همراه توضیح و تفسیر با مقدمه‌ای مفصل به عنوان پایان‌نامه دکتری خود نگاشت:

Nicholson, Reynold Alleyne, *Selected Poems from the Divan-i-Shams-i-Tabriz*, Cambridge Uni-

محققان غربی از کجا شروع شد؟

هر چند که اولین بار «درویشان رقصنده» (Dancing Der-vishes) در عثمانی مورد توجه اروپاییان قرار گرفتند (شیمل، شکوه شمس، ۵۳۸ - ۵۳۷) و بعدها عاملی برای شناخت مولانا و ترجمه آثار او شدند اما آشنایی واقعی با اندیشه‌های مولوی، در شبه‌قاره آغاز می‌گردد. به طور کلی می‌توان شناخت مولانا را مرتبط با دو منطقه جغرافیایی متمایز دانست؛ سرزمین‌های دولت عثمانی که طریقه مولویه و مراسم زیبایشان بسیاری از سیاحان و نیز دیپلمات‌های غربی را مسحور خود ساخت و شبه‌قاره هند که زمینه آشنایی با متون اصلی مولانا را فراهم ساخت.

اولین بار ویلیام جونز، ابیات آغازین مثنوی را به انگلیسی ترجمه

کرد و به سال ۱۷۹۴ در آسیا پژوهی (Asiatic Researches) چاپ نمود. (لوئیس، ۷۳۴) این ترجمه‌ها باب آشنایی جدی غرب با مولانا را گشود. سر ویلیام جونز (William Jones Sir) متولد ۱۷۴۶ در لندن و متوفی ۱۷۹۴ در کلکته از مؤسسان انجمن سلطنتی آسیایی بنگال (Royal Asiatic Society of Bangal) در ۱۷۸۴ است که زبان‌های فارسی و عربی را در آکسفورد آموخت. ترجمه‌های او از حافظ موجب شناخت این شاعر بزرگ در غرب شد به طوری که حتی گوته نیز در دیوان شرقی - غربی، ترجمه‌های او از اشعار فارسی را می‌ستاید. به عقیده برخی از محققان، غزل فارسی از طریق ترجمه‌های

او بر شعر انگلیسی قرن نوزدهم تأثیر گذارد. (همان، ۶۷۹ - ۶۷۸ و ۷۳۴ - ۷۳۳)

ادوارد هنری پالم (Edward. H. Palmer) نیز از نخستین مترجمان و معرفان آثار مولانا محسوب می‌شود:

The Song of the Reed and Other Pieces, trans. Edward. H. Palmer, London, 1877.

پالم (۱۸۸۲ - ۱۸۴۰) زبان‌شناس، اسلام‌شناس و مترجم قرآن به انگلیسی با زبان‌های سنسکریت، فارسی، اردو و عربی و ... آشنایی





تمام کسانی که قرار بود در هند به کار مشغول شوند موظف بودند فارسی یاد بگیرند و این نکته خود در گسترش دایره نفوذ زبان فارسی در بریتانیا بسیار مؤثر بود و ضمناً راه را برای مولانا پژوهی از طریق شبه‌قاره هموار می‌کرد. چنانکه ادوارد براون نیز از جمله این دانش‌آموختگان محسوب می‌شود

در مقاله «سخنان مولانا جلال‌الدین رومی» (The Table-Talk of Jalalu' dдин) ضمیمه صدمین سالگرد مجله انجمن آسیایی (Journal of the Royal Asiatic Society) بریتانیا در اکتبر ۱۹۲۴ صورت گرفته است. (اوانسیان، ۵۲ - ۴۵ و ۵۵ و ۶۹) بعدها یکی از شاگردان نیکلسون به نام آرتور جان آربری (Ar-berry John thur) راه او را ادامه داد و فیه‌مافییه را به انگلیسی ترجمه کرد:

Discourses Of rumi, trans. Arthur John Arber-ry, John Murray Publication, London, 1961.

آربری (۶۹ - ۱۹۰۵) در کمبریج با نیکلسون آشنا شد و زیر نظر او به مطالعه و تحصیل پرداخت. او مدتی را نیز به عنوان کتابدار در ایندیا آفیس (India Office) دفتر هند گذراند.

آربری گلچینی از رباعیات مولوی به نظم انگلیسی ترجمه کرد:

The Ruba'iyat of Jalal ul-Din Rumi, trans. Arthur John Arberry, Emery Walker Publication, 1949.

گزیده‌ای مفصل از معارف بهاء ولد نیز ترجمه کرد:

Aspects of Islamic Civilization as Depicted in the Original Texts, trans. Arthur John Arberry, A.S. Barnes, New York and Allen & Unwin, London, 1964.

از دیگر آثار او می‌توان کتب زیر را نام برد:

Tales from the Masnavi (tales 1-100) and More Tales from Masnavi (tales 101-200), trans. Arthur John Arberry, Allen & Unwin, London, 1961.

Mystical Poems of Rumi, First Selection, Poems 1-200, trans. Arthur John Arberry, The University of Chicago Press, Chicago, 1968.

Mystical Poems of Rumi, Second Selection, trans. Arthur John Arberry, Poems 201-400, The University of Chicago Press, Chicago, 1979.

دو کتاب اخیر به سفارش احسان یار شاطر ترجمه شد که باعث اشاعه نفوذ و گسترش بیشتر اشعار و افکار مولانا در غرب شد. (لوتیس، ۶۸۸ - ۶۸۵)

versity Press, Cambridge, 1898.

مهم‌ترین اثر نیکلسون، ترجمه منقح او از مثنوی در ۸ جلد می‌باشد که برای انجام این مهم دست به تصحیح مثنوی نیز زده است: Mathnawi, trans. Reynold Alleyne Nicholson, Leiden & London, 1925-1940.

نیکلسون در ترجمه مثنوی به ترجمه‌های دیگر نیز نظر داشته است:

ترجمه جیمز ردهاوس (James. W. Redhouse) از دفتر اول مثنوی به همراه قطعاتی از مناقب‌العارفین افلاکی:

The Mesnevi of Mevlānā Jelālu'd-dīn Muhammad Rūmī. Book first, together with some account of the life and acts of the Author, of his ancestors, and of his descendants, illustrated by a selection of characteristic anecdotes, as collected by their historian, Mevlānā Shemsu'd-dīn Ahmed el-Eflākī el-'Arifī, trans. James W. Redhouse, London, 1881.

ترجمه وینفیلد (E. H. Winfield) شامل حدود ۳۵۰۰ بیت منتخب از شش دفتر مثنوی:

Masnavi I manavi, The Spiritual Couplets of Maulana Jalaluddin Muhammad i Rumi, trans. E. H. Winfield, Trubner, London, 1887.

ترجمه ویلسون (C. E. Wilson) از دفتر دوم مثنوی:

The Masnavī by Jalālu'd-din Rūmī. Book II, trans. C.E. Wilson, London, 1910.

از دیگر آثار نیکلسون در مورد مولانا می‌توان به کتاب زیر اشاره کرد:

Tales of Mystic Meaning, Being Selections from the Mathnawi of Jalal-ud-Din Rumi, trans. Reynold Alleyne Nicholson, Chapman & Hall, London and Fredrick Stokes, New York, 1931.

و نیز معرفی و ترجمه چند قطعه از فیه‌مافییه که اول بار توسط او

به طور کلی می‌توان شناخت مولانا را مرتبط با دو منطقه جغرافیایی متمایز دانست؛ سرزمین‌های دولت عثمانی که طریقه مولویه و مراسم زیبایشان بسیاری از سیاحان و نیز دیپلمات‌های غربی را مسحور خود ساخت و شبه‌قاره هند که زمینه آشنایی با متون اصلی مولانا را فراهم ساخت

تحقیق دربارهٔ مولانا می‌پردازد و با چاپ اولین آثارش توجه جهانیان را به مولوی معطوف می‌دارد. اهمیت کار اقبال به حدی است که به سرعت ترجمه‌های زیادی از آثار او در طول حیاتش انجام می‌شود. نکته جالب در این است که یکی از بزرگ‌ترین مثنوی‌شناسان که خود تا حدی زمینه‌های آشنایی بیشتر اقبال با مولانا و تصوف اسلامی را فراهم آورده دست به ترجمه یکی از مهم‌ترین آثار او می‌زند و بدین وسیله او را به جهانیان معرفی می‌کند:

Asrar-i-Khudi (Secrets of the Self), trans.
Reynold Alleyne Nicholson, London, 1920.

علاوه بر این نیکلسون نمونه‌هایی از اشعار او را در پیام مشرق به همراه تحقیق در مورد کتاب مذکور ترجمه می‌کند:

Nicholson, Reynold Alleyne, "Iqbal's Message
of the East (Payam-i-Mashriq)", Islamica, Leipzig,
V.1, 1924. (۵۱ و ۶۱)

به نظر می‌رسد جاویدنامه بیش از سایر آثار او با اقبال مترجمان روبه‌رو شده است:

Il Poema Celeste, trans. Alessandro Bousani,
Institu to Italiano per il Media ed Estreme Oriente,
Rome, 1952. (ایتالیایی)

Buch Der Ewigkeit, trans. Annemarie Schim-
mel, Max Hueber, Munich, 1957.

(آلمانی با مقدمه هرمان هسه، برنده جایزه نوبل ادبیات)

Javidname, trans. Arthur John Arberry, UNES-
CO Collection of Representative Works (Pakistan
Series), Allen & Unwin, London, 1966. (انگلیسی)

Djavid-Nama: le livre de l'éternité, Eva de Vi-
tray-Meyerovitch and Mohammad Mokri, Albin
Michel, Paris, 1962. (فرانسسه)

آثار دیگری از اقبال نیز توسط او دو ویترای میروویچ (Eva de Vitray-Meyerovitch)، که سهم بزرگی در شناخت مردم فرانسه از مولانا دارد ترجمه شده است:

Reconstruire la Pensée Religieuse de l'Islam,
Eva de Vitray-Meyerovitch, Maisonneuve, Paris,
1955.

اما نقطهٔ عطف مطالعاتی که از شبه‌قاره سرچشمه می‌گیرد علامه محمد اقبال لاهوری (۱۸۷۷ - ۱۹۳۸) است. او که در سیالکوٹ متولد شده بود پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی، لیسانس را از کالج مبلغان اسکاتلندی و فوق لیسانس را از دانشگاه پنجاب گرفت. سپس در سال ۱۹۰۵ برای ادامه تحصیل رهسپار اروپا شد. در کمبریج با ادوارد براون و نیکلسون آشنا شد و برای نخستین بار اشعار مولوی را در انگلستان مورد مطالعه قرار داد. این آشنایی در سیر تکوین اندیشه اسلامی اقبال، تأثیر بسیاری گذاشت. او که زبان فارسی را به عنوان زبان سوم (پس از اردو و پنجابی) آموخته بود این زبان را برای بیان شاعرانه اندیشه‌هایش انتخاب می‌کند و با تأثیرپذیری از مولوی به تدوین اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی - فلسفی‌اش می‌پردازد. هر چند که دشوار می‌توان اقبال را در کنار محققان سنتی مولانا پژوهی قرار داد اما به لحاظ فکری نقش اقبال در آشنایی غرب و شرق با ادبیات مولوی غیرقابل انکار است. تقریباً تمام آثار فارسی او را می‌توان تحت تأثیر نفوذ مولانا دانست:

اسرار خودی (۱۹۱۵): در ۷۷۰ بیت بر وزن و شیوه مثنوی معنوی رموز بیخودی (۱۹۱۸): در ۱۰۱۸ بیت بر وزن و شیوه مثنوی معنوی که در حقیقت دنباله اسرار خودی محسوب می‌شود.

پیام مشرق (۱۹۲۳): در پاسخ دیوان شرقی غربی گوته زبور عجم (۱۹۲۷): مجموعه غزل، قطعه، مثنوی (گلشن‌راز جدید به شیوه گلشن‌راز شیخ محمود شبستری و بندگی‌نامه)

جاویدنامه (۱۹۳۲): در حدود ۳۳۰۰ بیت بر وزن و شیوه مثنوی معنوی که در آن اقبال به همراه مرادش، مولانا جلال‌الدین بلخی، به سیر در افلاک و بهشت و دوزخ می‌پردازد و با بسیاری از شخصیت‌های مهم تاریخی فرهنگی ملاقات می‌کند.

پس چه باید کرد ای اقوام شرق (۱۹۳۶): در حدود ۵۰۰ بیت بر وزن مثنوی معنوی به همراه مثنوی دیگری به نام مسافر در حدود ۳۰۰ بیت که به شرح سیاحت او از افغانستان و زیرت تربت حکیم سنایی، سلطان محمود غزنوی و احمد بابا شاه می‌پردازد.

ارمغان حجاز (۱۹۳۸): مجموعه‌ای از دوبیتی‌ها حدود یک سوم آن به اردو است و ۱۰ رباعی آن به مولانا تقدیم شده. (کیوانی، ۱/ ۵۰۱ - ۴۹۴: افضل اقبال، ۲۰۵ - ۱۶۹)

شاخه‌ای از جریان مولانا پژوهی که در شبه‌قاره آغاز شده بود و از آنجا به انگلستان رفته بود توسط اقبال دوباره به حوزه اولیه‌اش، شبه‌قاره، باز می‌گردد. اقبال در انگلستان با مثنوی آشنا می‌شود و به مطالعه و





با توجه به تألیفات و ترجمه‌های متعدد شimmel به زبان‌های ترکی، آلمانی، انگلیسی و ... می‌توان او را پیوندگاه مطالعات آلمانی زبان و انگلیسی زبان دانست که به شاهراه پژوهش‌های شبه قاره می‌پیوندد

(۴۸۳-سلیم اختر، ۱/۴۸۴)

در اروپا شاید بتوان از آن ماری شimmel (Annemarie Schimmel)، به عنوان یکی از افرادی نام برد که به مطالعه و بررسی میراث مشترک اقبال و مولوی می‌پردازد. شimmel (۱۹۲۲-۴) به گفته خود با مطالعه مقاله "Iqbal's Message of the East" (Payam-i-Mashriq) نیکلسون در مجله اسلامیکا و مشاهده رویارویی دو متفکر بزرگ شرق و غرب، مولانا و گوته، در این کتاب به اقبال علاقه‌مند می‌شود و چنانکه پیشتر گفته شد دست به ترجمه جاویدنامه به آلمانی و نیز ترکی می‌زند.^{۱۶} همچنین در کتابی به بررسی افکار و اندیشه‌های اقبال می‌پردازد:

Schimmel, Annemarie, Gabriel's Wing: Study into the Religious Ideas of Sir Muhammad Iqbal, Brill, Leiden, 1963.

شimmel، مقالات و تألیفات متعددی به زبان‌های انگلیسی و آلمانی در مورد مولوی دارد که برای نمونه می‌توان موارد زیر را برشمرد:

Schimmel, Annemarie, The Triumphant Sun: A Study of the Works of Jalaluddin, Fine Books, London, 1978.

Schimmel, Annemarie, I Am Wind You Are Fire: The Life and Work of Rumi, Boston, Shambhala Press, 1992.

Schimmel, Annemarie, Ich bin Wind und du bist Feuer; Rumi, Leben und Werk des Mystikers, Diederichs, Munich, 1991.

Schimmel, Annemarie, "Mawlana Rumi: Yesterday, Today and Tomorrow", in Poetry and Mysticism in Islam: The Heritage of Rumi, ed. Amin Banani, Richard Hovannisian and George Sabagh, Cambridge University Press, New York, 1994.

Schimmel, Annemarie, Friedrich Ruckert: Lebensbild und Einfubrung in sein Werk, Herder, Freiburg, 1987.

Payam-e Mashriq: Message de l'Orient, Eva de Vitray-Meyerovitch and M. Aghena, Les Belles Lettres, Paris, 1956.

(۱۱۱ و ۶۰۸-۷۰۲-لوئیس، ۱۱۱)

همانطور که ملاحظه می‌شود مترجمان آثار اقبال عموماً خود از مولوی پژوهان مشهورند. در واقع می‌توان گفت پس از اقبال لاهوری، مولانا پژوهی با شناخت اقبال پیوند یافته است به طوری که پس از او دو جریان متفاوت در این زمینه شکل می‌گیرد که با تفاوت‌هایی پا به پای یکدیگر افق‌های تازه‌ای را برای مطالعات بعدی می‌گشایند:

۱. مولانا پژوهی در شبه قاره،

۲. مولانا پژوهی در اروپا،

پس از اقبال، مولانا پژوهی در شبه‌قاره، شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد. پیش از اقبال می‌توان تنها از مولانا شبلی نعمانی نام برد که اقبال نیز از کتاب او پس از بازگشت به لاهور در ۱۹۰۸ تأثیر گرفته است. (شimmel، شکوه شمس، ۵۳۳) سوانح مولانای روم از شبلی (۱۹۱۴-۱۷۵۷)، شرح حالی به شیوه‌ای امروزی است که در آن شبلی، مولوی را از سلطه ابن عربی آزاد می‌کند. (افضل اقبال، ۱۶۴) بدین ترتیب اقبال، نقطه اتصال پژوهش‌های شرقی و مطالعات غربی (انگلیسی) پیش از خود می‌گردد اما پس از او هر یک از این دو شاخه با تأثیرپذیری از وی راه جدیدی را می‌پیمایند.

خلیفه عبدالحکیم با الهام از اقبال، رساله دکتری‌اش را در دانشگاه هایدلبرگ با عنوان آراء رومی درباره مابعدالطبیعه (The Metaphysics of Rumi: A Critical and Historical Sketch) می‌نویسد. این رساله که به سال ۱۹۲۵ نوشته شده بود در سال ۱۹۳۳ چاپ شد. (لوئیس، ۶۹۱ - ۶۹۰)

افضل اقبال (۱۹۹۴ - ۱۹۱۹) که در آثارش به شدت اقبال لاهوری را می‌ستاید چندین کتاب درباره مولانا جلال‌الدین بلخی تألیف کرده است:

Afzal Iqbal, The Life and Thought of Maulana Jalaluddin Rumi, Bazm-i-Iqbal, Lahore, 1956.

Afzal Iqbal, The Impact of Maulana Jalaluddin Rumi on Islamic Culture, Regional Cultural Institute, Tehran, 1975.

هر چند که دشوار می‌توان اقبال را در کنار محققان سنتی مولاناپژوهی قرار داد
اما به لحاظ فکری نقش اقبال در آشنایی غرب و شرق با ادبیات مولوی
غیرقابل انکار است. تقریباً تمام آثار فارسی او را می‌توان
تحت تأثیر نفوذ مولانا دانست

Purgstal, Josef Freiherr Von Hammer, Geschichte der Schönen Redekünste Persiens, Wien, 1818.

تاریخ ادبیات ایران دارای ۸۷ صفحه درباره مولوی و ترجمه
قطعاتی از مثنوی و دیوان شمس)

Ruckret, Friedrich, Taschenbuch für Damen, Tübingen, 1821.^{۱۱}

حتی جوایزی هم که شیمیل در این سال‌ها گرفته نشان از ارتباط
عمیق او با حوزه مطالعات آلمانی زبان و نیز پژوهش‌های شبه‌قاره دارد:

جایزه «فریدریش روکرت» آلمان (۱۹۶۵)

مدال طلای «هامر - پورگشتال» اتریش (۱۹۷۴)

نشان «ستاره قائد اعظم» پاکستان (۱۹۶۵)

و ...^{۱۲}

اما امروزه با توجه به پیشرفت‌های نوین بشر و گسترش دانش،
مولاناپژوهی، در حوزه‌های متنوعی فراگیر می‌شود و پژوهشگران با
استفاده از دستاوردهای ملل و فرهنگ‌های مختلف به افق‌های جدیدی
راه پیدا می‌کنند.

نتیجه:

مولاناپژوهی در شبه‌قاره با سر ویلیام جونز (Sir William Jones)
آغاز می‌شود و پس از او افراد بسیاری از طریق او با مولانا
آشنا می‌شوند. با گذشت زمان، رینولد الین نیکلسون (Reynold Alleyne Nicholson)
دست به ترجمه تمامی مثنوی می‌زند. اقبال لاهوری در انگلستان با نیکلسون آشنا می‌شود و پس از آن،
اقبال، مرکز مولوی‌شناسی می‌شود و بر اندیشه و نگاه مولوی‌شناسان
پس از خود تأثیری انکارناپذیر می‌گذارد. بدین ترتیب سیر مطالعات
مولاناپژوهی که از شبه‌قاره آغاز و به انگلستان رسیده بود دوباره توسط
اقبال به شبه‌قاره بازگردانده می‌شود. از آن پس این سلسله پژوهش‌ها
دو جریان متفاوت را در اروپا و شبه‌قاره طی می‌کند که هر یک از
این جریان‌ها متأثر از علامه اقبال لاهوری هستند. آن ماری شیمیل
(Annemarie Schimmel) یکی از افرادی است که با تکیه
بر سنت مطالعاتی اقبال، نقطه اتصال مطالعات حوزه‌های آلمانی و
انگلیسی زبان می‌شود.

(درباره تأثیر مولوی بر رماتیک‌های آلمانی)

Von Allem und vom Einigen, trans. Annemarie Schimmel, Diederichs, Munich, 1988.

(ترجمه فیهمافی)

Schimmel, Annemarie, My Soul is a Woman: The Feminine in Islam, Continuum, New York, 1997.

Look! This is Love: Poems of Rumi, trans. Annemarie Schimmel, Boston, Shambhala Press, 1991.

(لئویس، ۱۹۱ - ۱۳ و ۷۰۲)

با توجه به تألیفات و ترجمه‌های متعدد شیمیل به زبان‌های ترکی،
آلمانی، انگلیسی و ... می‌توان او را پیوندگاه مطالعات آلمانی زبان و
انگلیسی زبان دانست که به شاهراه پژوهش‌های شبه‌قاره می‌پیوندد. او
علاوه بر بیگیری سنت‌های مطالعاتی دانشمندان انگلیسی تباری که از
شبه‌قاره به این وادی وارد شده‌اند به سنت‌هایی که از جانب غربی ایران
یعنی عثمانی سرچشمه می‌گیرد نیز توجه دارد سنتی که می‌توان آن را
حوزه‌های آلمانی زبان قلمداد کرد. حوزه‌ای که نام بزرگانی نظیر یوزف
فراپهر فن هامر پورگشتال (Josef Freiherr Von Hammer Purgstal)،
فردریش روکرت (Friedrich Ruckret)، فون روزن تسوایگ شوانو (V. Von Rosenzweig Schwannau)،
گئورگ روزن (Georg Rozen)، فردریش روزن (Friedrich Rozen) و ... را در بر می‌گیرد که به اختصار فهرستی از آثار آنان
ارائه می‌گردد:

Mesnavi oder Doppelverse des Scheich Mewlana Dschelal eddin Rumi, trans. George Rozen, Leipzig, 1849.

Mesnavi oder Doppelverse des Scheich Mewlana Dschelal eddin Rumi, trans. George Rozen, with preface by Friedrich Rozen, Munchen, 1913.

Auswahl aus den Divanen des Grössten Mystischen Dichters Persians Mewlana Dschelal eddin Rumi, trans. Vincenz Von Rosenzweig Schwannau, Wien, 1838.





پی‌نوشت:

* عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

** دانشجوی دوره دکتری دانشگاه تهران

1- Marks, Alexandra, "Persian Poet Top Seller in America", The Christian Science Monitor, 25 November, 1997, <<http://www.csmonitor.com/1997/1125/112597.us.us.3.html>>.

"The Monitor's Guide to Bestsellers", The Christian Science Monitor, 13 April, 2000, <<http://www.csmonitor.com/2000/0413/p19s1.html>>.

۲- جالب است که هگل در بحث آگاهی (consciousness) و بیان تمایز دیدگاه مسلمانان با مذاهب هندی، به مولانا اشاره می‌کند:

Hegel, G.W.F, Philosophy of Mind: Part Three of the Encyclopaedia of the Philosophical Sciences, Trans. William Wallace, Section III: Absolute Mind, Sub-Section C. Philosophy, <<http://www.class.uidaho.edu/mickelsen/texts/Hegel>>.

۳- و نیز ببینید:

The New Encyclopædia Britannica, The university of Chicago, 1991, V.6, p.610.

۱۹- شیمیل، آن ماری، «آشنایی من با اقبال لاهوری»، ترجمه خسرو ناقد، مجله کیان، سال هشتم، شماره ۴۲، خرداد/ تیر ۱۳۷۷.

<http://www.naghd.net/Tarjome_ha/ashenaye_ba_iqbal.htm>

۲۱- علاوه بر کتاب فرانکلین دین لوئیس (مولانا دیروز تا امروز شرق تا غرب) و ماندانا صدیق بهزادی (کتابشناسی مولوی) که اطلاعات خوبی در زمینه مطالعات آلمانی زبان دارند مقاله زیر نیز می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد:

رستگار، نصرت الله، «مطالعه و شناخت مولانا در اتریش»، نشریه چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی، شماره ۶

۲۲- ناقد، خسرو، «فرزانه بانویی دلباخته عرفان شرق»، مجله دریچه دانش، مهرماه ۱۳۸۱.

<http://www.naghd.net/Maghale_ha/Schimmel_farzane.htm>

منابع و مأخذ:

۱- افضل اقبال، تأثیر مولانا بر فرهنگ اسلامی، ترجمه محمد رفیع مهرآبادی، انتشارات عطایی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳.

۲- اوانسیان، اوانس، مقدمه «مقدمه رومی و تفسیر مثنوی معنوی»، ترجمه اوانس اوانسیان، نشر نی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۶.

رستگار، نصرت الله، «مطالعه و شناخت مولانا در اتریش»، نشریه چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی، شماره ۶

۳- سلیم اختر، محمد، «افضل اقبال»، دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره، زیر نظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.

۴- شیرزادی، فرزاد، گفتگو با اورهان پاموک، روزنامه همشهری، سال یازدهم، شماره ۳۲۰۲، ۳۰ مهر، ۱۳۸۲.

۵- شیمیل، آن ماری، «آشنایی من با اقبال لاهوری»، ترجمه خسرو ناقد، مجله کیان، سال هشتم، شماره ۴۲، خرداد و تیر ۱۳۷۷.

۶- شیمیل، آن ماری، شکوه شمس، ترجمه حسن لاهوتی، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۷.

۷- صدیق بهزادی، ماندانا، کتابشناسی مولوی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۰.

۸- کیوانی، مجدالدین، «اقبال لاهوری»، دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره، زیر نظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.

۹- لوئیس، فرانکلین دین، مولانا دیروز تا امروز شرق تا غرب، ترجمه حسن لاهوتی، نشر نامک، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵.

۱۰- ناقد، خسرو، «فرزانه بانویی دلباخته عرفان شرق»، مجله دریچه دانش، مهر ماه ۱۳۸۱.

Hegel, G.W.F, Philosophy of Mind: Part Three of the Encyclopaedia of the Philosophical Sciences, Trans. William Wallace, Section III: Absolute Mind, Sub-Section C. Philosophy, <<http://www.class.uidaho.edu/mickelsen/texts/Hegel>>.

Marks, Alexandra, "Persian Poet Top Seller in America", The Christian Science Monitor, 25 November, 1997, <<http://www.csmonitor.com/1997/1125/112597.us.us.3.html>>.

"The Monitor's Guide to Bestsellers", The Christian Science Monitor, 13 April, 2000, <<http://www.csmonitor.com/2000/0413/p19s1.html>>.

The New Encyclopædia Britannica, The university of Chicago, 1991.